

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۱ فبروری ۲۰۲۰

## تضادهای سرمایه‌داری امپریالیستی تشدید می‌شوند

### مبارزه طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم اوج می‌گیرد (۲)

کنفرانس خط روشنی با جریانهای دست‌راستی هوادار امپریالیسم امریکا کشید که بر هجوم و تجاوز این دشمن بشریت با هوچی‌بازی چشم می‌پوشند. این جریانها که تا دیروز بر چپاول کشورشان توسط امپریالیسم امریکا به‌دیده رضایت می‌نگریستند و از حامیان "دنیای آزاد" بودند، حال صدایشان به ضد نفوذ امپریالیستهای روسیه و چین در ایران، سوریه، ونزوئلا، کوبا، نیکار آگونه و... بلند است و در هر کجا که این امپریالیستهای ضعیف‌تر به‌مقاومت در مقابل امریکا دست می‌زنند و از حکومت‌های مخالف و یا غیروابسته به‌امریکا و متحدانش - طبیعتاً براساس منافع خود ولی مصلحت سیاست ستراتیژیک جهانی خویش - حمایت می‌کنند، به‌میدان می‌آیند و از برباد رفتن ایران به‌دست روس‌ها و چینی‌ها و یا دخالت آنها در امور داخلی اینگونه ممالک و تشدید تضادهای امپریالیستی و جنگ نیابتی در این کشورها سخن می‌گویند تا تصویر معیوبی از مبارزه ملتها و کشورها به ضد امپریالیسم امریکا، به ضد تهاجم وحشیانه نئولیبرالیسم به این کشورها، به ضد دخالت افسارگسیخته امپریالیسم امریکا و متحدانش در امور داخلی این ممالک ترسیم کنند. کینه این عده به ضد امپریالیسم روس و چین کینه ضد امپریالیستی نیست، محبت به امپریالیسم امریکا و متحدان آن است. این عده از ورود کالاهای چینی به ایران و سایر ممالک جهان دست برشکایت دارند ولی اگر امپریالیسم امریکا همه کالاهای بنجل خود را به ایران سرازیر کند که در زمان شاه می‌کرد و جدان این "وطنپرستان" معذب نمی‌شود. به‌همین جهت کنفرانس نشان داد که امپریالیسم امریکا دشمن شماره یک بشریت و قدرتمندترین و وحشی‌ترین قدرت جهانی است و باید در درجه نخست پوزة این امپریالیسم را به‌خاک مالید. سوء استفاده و یا استفاده سایر امپریالیستها از این تشدید تضادها امری غیرطبیعی نبوده و محصول تشدید این مبارزه در سطح جهانی و مبارزه ملتها، خلقها، دولت‌ها برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود است. چنانچه هدف از مبارزه دفاع از حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی این ممالک باشد تضادهای فرعی تحت‌الشعاع تضادهای تعیین‌کننده جهانی قرار می‌گیرند. کنفرانس در این زمینه نوشت:

"امریکا، به‌دلیل زیر بنای اقتصادی و مالی و وسعت کشورها و مناطق وابسته به‌آن، به‌دلیل "اسلحه" دالر و پایگاههای نظامی آن در سراسر جهان، به‌دلیل توانائی مداوم در تحمیل اراده خود به‌قدرتهای غربی از طریق ناتو و صرف هزینه نظامی که بیش از مجموع اعضای دیگر است، بزرگترین قدرت امپریالیستی سلطه‌گر در جهان است. جنون امریکا برای حفظ آنچه که از وی قدرتی تجاوزگر و جنگ افروز ساخته است، امریکا را به جسارت و نقض موازین جهانی کشانده است. از سوی دیگر، چین با زیر بنای فنی کاملاً مدرن سرمایه‌داری و نتجتاً رشد سریع صنعتی و اقتصادی و

سطح انباشت سرمایه و گسترش اقتصادی حاصل از آن و ظرفیت بالقوه برای پیشی‌گرفتن از امریکا، یک قدرت امپریالیستی نوحاسته است که نمی‌تواند طرح تقسیم مجدد جهان را در برنامه کار خود نداشته باشد. چین تلاش دارد که تجهیزات نظامی خود را مطابق با این طرح تکامل دهد. تنش بین امریکا و چین و همچنین درگیری بین دیگران از جمله جنگ‌های نیابتی برای حفظ آنچه در اختیار دارند و با هزینه کشورهای دیگر آن را گسترش می‌دهند، هم اکنون به همه قاره‌ها کشانده شده است. تضادها و تنش‌های بین‌امپریالیستی بر اقتصاد جهانی تأثیر منفی می‌گذارد و به‌خامت زندگی و شرایط کار توده‌های استثمار شده منجر می‌شود، زیرا هدف امپریالیستها استثمار طبقه کارگر و غارت خلق‌های تحت ستم است."

کنفرانس با توجه به‌سرنوشت خلق کرد که برای تعیین سرنوشت خویش حتی تا مرحله جدائی مبارزه می‌کند و در این راه هر روز ملعبه دست یک نیروی امپریالیستی و ارتجاعی در جهان بوده و فریب وعده‌های دروغین آنها را می‌خورد آورد:

"هیچ قدرت امپریالیستی در هیچ نقطه جهان، من جمله در مناطقی که گرگانه برخورد است، دوست کارگران و خلقها نمی‌تواند باشد. وعده‌های آنها برای کمک اقتصادی و سیاسی به‌خلقها، و برای نمونه ارمان استقلال و دموکراسی، فقط دروغهای بزرگی هستند. آنها همه انحصارگران قدر و استثمارکننده و غارتگر هستند و صرفنظر از آنچه که قول می‌دهند فقط به‌فکرکسب سود به‌هزینه مردم و گسترش مناطق تحت نفوذ با وابسته کردن ملت‌ها به‌خوداند.

ضمن آن که هیچ امپریالیستی دراستفاده از کوچکترین فرصت برای غارت ثروت ملت‌ها و نفوذ اقتصادی و سیاسی خود از طریق گسترش روابط وابستگی تردید نمی‌کند، امپریالیسم امریکا به‌ویژه از طریق یک سری تحریم، محاصره و اشغال و به کارگیری بیش از ۸۰۰ پایگاه نظامی و استفاده از اسرائیل صهیونیستی و قدرت‌های مرتجع منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و کلمبیا، ملت‌ها را مورد تهاجم قرار می‌دهد. امریکا همچنان نیروی اشغالگر در افغانستان و عراق است. این تهاجم با مداخله در سوریه و تحریم علیه کوبا، ونزوئلا و ایران ادامه دارد. امریکا مدتی است که سفارت خود را از تل آویو به اورشلیم منتقل کرده است.

#### **کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست لنینیست – ICMLPO همه این حملات را محکوم می‌کند."**

سپس کنفرانس بدون قید و شرط از حق همه خلقها و ملت‌های جهان برای تعیین سرنوشت خود، از جمله حق تأسیس کشورهای مستقل، دفاع کرده و همبستگی خود را با همه ملل ستمدیده و مبارزات رهائیبخش آنها ابراز داشت. کنفرانس در شرایط کنونی حاکم جهانی عمدتاً از حق مردم ونزوئلا، ایران، کوبا در دفاع از حق حاکمیت و تمامیت ارضی خود، مبارزه آنها به ضد تحریم و جنگ، به ضد دخالت‌های امپریالیسم امریکا و همدستانش پشتیبانی کرد. کنفرانس حق ملت فلسطین برای آزادی کشورش به ضد صهیونیسم را مورد تأیید قرار داد و سرکوب ارتجاع منطقه را به ضد فلسطینی‌ها، کردها و کشمیری‌ها محکوم کرد. کنفرانس سپس به نتایج تشدید تضادهای امپریالیستی پرداخت و بر این حکم تاریخ تأیید گذارد که یا انقلاب جلوی جنگ را خواهد گرفت و یا با رشد فاشیسم جنگ دنیا را به‌آتش می‌کشد. کنفرانس بیان داشت:

"این واقعیت که تضاد بین کار و سرمایه، بین‌امپریالیست‌ها و خلقها و بین خود امپریالیست‌ها شدت می‌یابد، به‌این مفهوم است که تجاوزات سرمایه‌داری امپریالیستی افزایش می‌یابد و همچنین خطر فاشیسم و جنگ. چنانچه سیر این رویدادها تغییر نیابند مطمئناً شرایط زندگی طبقه کارگر و مردم ستمدیده بدتر خواهد شد.

چنانچه طبقه حاکم که خواسته‌های طبقه کارگر و مردم را سرکوب می‌کند نتواند بر بحران سرمایه‌داری که فروپاشی و بن‌بست آن تعمیق می‌یابد غلبه کند، آنگاه برای آنها بسیار طبیعی خواهد بود که به‌فاشیسم که شکل شدیدتر تمایلات

ارتجاعی انحصارگران است متوسل شوند. آنگاه تشنج‌های شدید بین‌امپریالیستی منجر به‌جنگ جدید امپریالیستی می‌شود.

با این حال، این هم درست است که تمام پیامدهای منفی سرمایه‌داری منجر به‌بسیج طبقه کارگر و ملل ستمدیده می‌شود. در هند چندی پیش ۲۰۰ میلیون کارگر دست به‌اعتصاب عمومی زدند. در ایران ما همچون سال گذشته شاهد اعتصابات و بسیج ده‌ها هزار نفری کارگران بودیم. در اروپا تعداد اعتصابات رو به‌افزایش است، در امریکا ما طی دو سال گذشته چندین اعتصاب مشاهده کردیم که اعتصاب کارگران فلزات آخرین نمونه آن است. طبقه کارگر، پس از مدت طولانی رکود، در وضعیتی قرار دارد که دست به‌بسیج تازه می‌زند. این امر در اعتصابات و اقدامات متعدد در اندازه‌های گوناگون، هر چند در سطح ملی به‌صورت غیرمتحد، مشاهده می‌شود.

ما همچنین در ماه اکتوبر شاهد بروز جنبش‌های مردمی بسیاری بودیم، جنبش‌هایی که ناشی از نتایج مخرب سرمایه‌داری و سرکوب توسط نیروهای ارتجاعی بود. در بسیاری از کشورها، این جنبش‌ها تمایل تبدیل شدن به‌قیام را به‌نمایش گذاشتند و خصلت سیاسی به‌خود گرفتند. در بورکینا فاسو، مردم ۴ سال پیش کودتای نظامی را خنثی کردند. در سودان عمر البشیر به زیر کشیده شد. در الجزایر، عبدالعزیز بوتفلیقه مجبور به‌استعفاء شد و بعداً نامزدی خود را کنار گذاشت. نخست‌وزیر حریری در لبنان استعفاء داد. نخست‌وزیر عراق در کشورش استعفاء داد، در چیلی رئیس‌کشور، دولت خود را برکنار کرد، در اکوادور رئیس‌جمهور مورنو مجبور شد پیشنهاد بسته ریاضت اقتصادی خود را لغو نماید. در هائیتی، عراق، هندوراس، گینه و غیره مبارزه مردمی که دست به‌قیام زدند نمی‌تواند سرکوب شود. تعداد خیزش‌های مردمی که طبقه کارگر در آن شرکت وسیع دارد در حال افزایش است. قیام طبقه کارگر و مردم علیه غارت و ستم توسط امپریالیستها و انحصارات تنها راه متوقف کردن تجاوز سرمایه به‌جان و زندگی توده‌ها، تنها راه جلوگیری از خطر فاشیسم و جنگ، و تنها راه رهائی ملی و اجتماعی است. سوسیال‌رفرمیسم در حال ابطال است زیرا نمی‌تواند به‌جنبش رو به رشد طبقه کارگر و مردم وفادار بماند. این کاملاً طبیعی است که تأثیر آرام بخشی اصلاح طلبی که مضمون آن سازش بین مبارزات عیناً انقلابی مردمی و نیروهای ارتجاعی است، در هم شکسته شود.

### **کنفرانس ما، کارگران همه کشورها را فرا می‌خواند که:**

تنها نسخه برای رهائی ما، همانا مبارزه با سرمایه‌داری بدون هیچ‌گونه توقعی از هیچ جناحی از بورژوازی یا قدرت امپریالیستی و همچنین برچیدن هژمونی سرمایه و روابط استثمار است. ما باید به‌حکمرانی بورژوازی پایان دهیم و خود را به‌عنوان طبقه مسلط غیروابسته به‌نیروئی، و تنها متکی بر نیروی خود، خودمان را سازمان دهیم."

کنفرانس سپس دست را به‌نقطه حساس گذارد و تمام جریانهای خرده‌بورژوائی، چریکی و ضدحزبی و رفرمیستی را به‌باد انتقاد گرفت و بدرستی تذکر داد که طبقه کارگر برای آزادی خود به تشکل و وحدت نیاز دارد. بدون حزب طبقه کارگر که مستقل از احزاب بورژوائی مستقلاً از منافع طبقه کارگر دفاع کنند امکان پیروزی مبارزه طبقاتی وجود ندارد. دشمنان حزبیت با هر بهانه‌تراشی ضدحزبی که ظاهر شوند، دشمنان طبقه کارگر هستند. کنفرانس بیان نمود:

"به هر حال، اگر ما متحد و سازمان‌یافته نباشیم نمی‌توانیم به چنین هدفی برسیم. بنابراین، ما باید به‌حزب مستقل طبقه کارگر کشور خود پیوسته و خود را سازماندهی کنیم، و اگر چنین حزبی موجود نباشد آن را باید بنیانگذاری کرد و مبارزه طبقاتی را مستقل از بورژوازی انجام داد.

با توجه به‌نکات فوق، ما نه تنها باید در مبارزات توده‌ئی که خارج از پیشقدمی و ابتکار عمل ما شکل می‌گیرند شرکت کنیم، بلکه باید رهبری آنها را به‌دست گرفته، مبارزات مردم زحمتکش شهر و روستا را سازماندهی کرده، آنها را علیه سرمایه‌داری هدایت کنیم.

کنفرانس ما همچنین خواستار ارتقاء مبارزات خلقها و ملل تحت ستم جهان است.

تنها راه رهائی از غارت امپریالیستی و انحصاری، دست زدن به یک مبارزه قاطع و سازش‌ناپذیر علیه انحصارات و قدرتهای امپریالیستی است. ما باید از نمونه مبارزاتی که در کشورهای دیگر اتفاق می‌افتد تجربه اندوزی کنیم و آن را در کشور خود مورد استفاده قرار دهیم. توده‌ها هیچ دوست دیگری جز خودشان ندارند. ما مردم و کارگران می‌توانیم به‌تنهایی روی پای خود بایستیم.

اتحاد، سازماندهی و ارتقاء مبارزه به ضد امپریالیسم و انحصارات، همان چیزی است که ما با آن نیاز داریم. مبارزه متحد و سازمان‌یافته طبقه کارگر و مردم ستمدیده، شکست‌ناپذیر است."

بیست و پنجمین جلسه وسیع کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست-لنینیست - ICMLPO

المان، نومبر ۲۰۱۹

بر گرفته از توفان شماره ۲۴۰ اسفندماه [حوت] ۱۳۹۸ - فبروری سال ۲۰۲۰

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)